

بررسی آسیب ها و پیامدهای نهاد حبس و عدم کارایی آن

در جلوگیری از تکرار جرم

میلاد جهانی جناقرد^۱

دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه تهران

بهرام هاشمی شهری

فارغ التحصیل دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

چکیده

در گذرگاه زمان، علوم مربوط به جرم شناسی دائما در حال تغییر و تحول بوده است. بدین سان که؛ گاه به سوی کاهش یا حذف مداخلات نظام کیفری و البته با هدف معین، و گاهی منجر به دخالت بیشتر اقدامات غیر کیفری توسط مراجع غیر رسمی و مردمی یا به اصطلاح جامعه مدنی پیش رفته است. با شکل گیری تمایلات حقوق بشری و تاکید بر آزادی ها و حقوق افراد، نظام کیفری، به این علت که آزادی بنیادین افراد را خدشه دار می کند، به مخالفت برخاسته است. مجازات حبس در اعمال کنترل اجتماعی از جایگاه اهمی برخوردار است؛ البته، از سوی دیگر اعمال مجازات حبس به خصوص حبس هایی با مدت اندک، در اصلاح و بازپروری زندانیان و تاثیر گذاری کم آن در پیشگیری از تکرار جرم و همچنین جرم زا بودن محیط زندان، هزینه های گزاف برای دولت و مشکلات روحی و روانی موجود در آن، پیش بینی برنامه های جایگزین حبس را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. پژوهش فوق ضمن شناسایی آسیب های مجازات حبس، به دنبال ارائه راهکارهای مناسب در راستای کاهش اعمال مجازات مذکور از ابعاد مختلف اجتماعی خواهد بود.

واژگان کلیدی: نهاد حبس، آسیب ها، اصلاح و بازپروری، پیشگیری، تکرار جرم

یکی از اقداماتی که برای مقابله با جرایم در جوامع مختلف بشری از آن استفاده می گردد، زندان است. بدین سان که در اکثر کشورهای جهان این امر یکی از مهم ترین ابزارهای دفاع اجتماعی در مقابل پدیده جرم و شخص مجرم به حساب می آید. به این گونه که در سال ۱۵۵۷ میلادی در لندن قصر متروکی به نام بریدول برای نگهداری ولگردان اختصاص یافت. در این زندان کار الزامی و روش های تربیتی در مورد محکومان اجرا می گردید. در سال ۱۵۵۹ میلادی در آمستردام زندان خاصی جهت آموزش کار و تربیت مذهبی زندانیان افتتاح شد؛ و در سال ۱۶۰۵ در این زندان روش انفرادی اجرا گردید. در سال ۱۶۲۳ میلادی در ناپل ایتالیا زندانی برای تفکیک زنان از مردان، اطفال از بزرگسالان به روش انفرادی نباشد. بالاخره در سال ۱۷۹۷ در انگلستان اولین زندان تاسیس گردید. در فرانسه نیز با تصویب قانون ۶ اکتبر ۱۷۹۱ مجازات حبس در سر ردیف سایر مجازاتها قرار گرفت و در قانون جزای ۱۸۱۰ به نوع زندان با اعمال شاقه در دارالتادیب ایجاد گردید. بنابراین می توان نتیجه گرفت مجازات حبس، به عنوان واکنش که جامعه در مقابل مجرمان نشان می دهد، از دیرباز در جوامع مختلف مورد استفاده واقع می شده است تا بدین سان امنیت و آسایش جامعه برقرار گردد. فلسفه مجازات، اصلاح بزهکار می باشد؛ در حالی که یافته های جرم شناسی و آمارهای موجود، نشان داده است که هم اکنون وضعیت زندان ها به گونه ای است که نه تنها اصلاحی در زندان صورت نمی گیرد بلکه مجرمان، انواع راهکار جدید را برای جرائم در آینده و اعتیاد با بزهکاری را فرا می گیرند که این موضوع سبب می شود شخصی که برای بار اول وارد زندان می شود به تدریج با محیط و زندانیان خو گرفته و همانند یک مجرم حرفه ای از زندان خارج گردد. بر همین اساس است که فرهنگ حبس زدایی و استفاده از مجازات های جایگزین، مدت زیادی است که در کشورهای توسعه یافته در حال اجرا است. چرا که نویسندگان قانون می دانند که مجازات حبس نمی تواند در جلوگیری از تکرار جرم در مورد بزهکاران موثر واقع گردد. در کشور ایران نیز نویسندگان قانون در سال ۱۳۹۲ در مورد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی به اعمال مجازات های جایگزین حبس با اعمال یکسری از شرایط پرداخته است که می توان گفت که تاثیر

بسیاری در خصوص پرونده‌های بزه‌کاران و پیشگیری از تکرار جرم از سوی مجرمان و محکومان به حبس خواهد داشت.

گفتار اول - آسیب شناسی زندان در خصوص محکومان

همانگونه که بیان شد مجازات حبس به عنوان یکی از اصلی ترین شاخه های حقوق کیفری در باز اجتماعی کردن محکومان به شمار می رود که در بسیاری از نظام های قانونی دنیا مورد توجه قرار گرفته است. اما گاهی اعمال این مجازاتها می تواند آسیب های بسیار جدی نسبت به محکومان و حتی نسبت به جامعه داشته باشد که می توان مهم ترین آنها را به شرح ذیل دسته بندی کرد.

بند اول - آموزش و انتقال جرائم

اگر پذیرفته باشیم که زندان به مانند یک جامعه است و می توان آن را هم چون یک جامعه کوچک در نظر گرفت لذا همان گونه که یک جامعه به عنوان یک کل دارای یک سری اجزا و عناصر تشکیل دهنده بوده و همواره امکان این هست که برخی از این اجزا از قاعده و شکل بهنجار خارج شده و حالت نابهنجار به خود بگیرند، در محیط زندان ها نیز همواره این احتمال وجود دارد که شاهد پدیده های نابهنجار باشیم. از آنجا که شرایط زندان ها به گونه ای است که احترام به قانون را آموزش نمی دهد بلکه راه های گریز از قانون و نحوه ارتکاب جرائم جدید توسط هم بندهای زندانی آموزش داده می شود، مجرمان اتفاقی به مجرمان حرفه ای تبدیل می شوند. برخی معتقدند که بزهکاران زمانی که وارد زندان می شوند چون مار گزیده اند ولی هنگام خروج از زندان همچون مار افعی می شوند. بنابراین هدف اصلاحی مجازات حبس کوتاه مدت به لحاظ فقدان فرصت کافی از یک سو قابل تحقق نیست و از سوی دیگر مجازات حبس های بلند مدت خطر ناسازگار شدن محکوم زندانی با اجتماع را پس از خروج از زندان در پی دارد. در زندان های دسته جمعی نیز به لحاظ انواع مجرمین خطر تکرار جرم را افزایش می دهد و زندان انفرادی نیز طبع اجتماعی را در شخصیت محکوم از بین می برد. بنابراین اصلاحات انجام شده در نهاد حبس جنبه ی

ارعابی آن را کم اثر نموده و آنگ زندانی بودن نیز امید بازگشت به زندگی شرافتمندانه را از بین می برد. بدین خاطر برخی مجرمان زندگی در زندان را به زندگی رنج آور و احیاناً زحمت در خارج از آن ترجیح می دهند.

بند دوم- بیکاری و طرد اجتماعی

از دیگر آثار زیان بار زندان محبوس شدن افراد فعال و کاری جامعه است. مجازات حبس ضمن آن که در حین اجرا باعث بیکار شدن یک عضو فعال جامعه می گردد پس از اجرا نیز باعث می شود فرد موقعیت شغلی خود را از دست می دهد و عضوی که در گذشته عضو کاری جامعه بود اکنون همانند عضو بیکار، سربار جامعه و خانواده می شوند. از سویی زندان موجب طرد اجتماعی زندانی می شود، درصد قابل ملاحظه ای از خانواده ها، اقوام، دوستان و هم محله ها نسبت به مجرم آزاد شده بی اعتنا گردیده و هیچ تمایلی به معاشرت با وی از خود بروز و ظهور نمی دهند. این امر باعث می شود که حس انتقام و کینه به جای عبرت و عاطفه در دل زندانی آزاد شده به وجود آید و هر چه بیشتر از جامعه و اطرافیان فاصله گیرد و فرد مورد نظر به دور از نظارت و کنترل اجتماعی باز به ارتکاب اعمال مجرمانه مبادرت می ورزد.

بند سوم- پایین بودن سطح بهداشت و اخلاق

اجرای مجازات حبس غالباً اقتضاء می کند که تعداد کثیری از افراد تنومند برای مدت زمان مختلف در یک مکان محبوس شوند که در این مدت هم از آزادی بی نصیب بوده و از تماس با همسرانشان محروم می شوند که احتمال بروز جرائم جنسی در مواردی که بدان اشاره گردید می رود. با توجه به این که تعداد افراد زندانی سال به سال افزایش می یابد و به موازات آن بر شمار زندان ها افزوده نمی شود متولیان امور ناگزیرند آنان را در همان زندان ها جای می دهند.

بند چهارم - پیامدهای برچسب خوردن

فرآیند برچسب زدن عده‌ای و برچسب خوردن عده‌ای در یک جامعه مانند جامعه زندان را نظریه پردازان به دو مرحله اساسی تقسیم کرده‌اند: انحراف اولیه و انحراف ثانویه. در مرحله انحراف اولیه، افراد از هنجارهای اجتماعی عدول کرده ولی برچسب نمی‌خورند و خود را منحرف نمی‌دانند از این گذشته دیگر افراد جامعه نیز هنوز برای آنان احترام قائل هستند و آنان را منحرف نمی‌دانند. مرحله انحراف ثانویه زمانی رخ می‌دهد که رفتار انحرافی توسط افراد مهم جامعه مثل دوستان، والدین، کارفرمایان، مقامات، پلیس و دادگاه علنی و آشکار می‌گردد. شخص خاطی و فردی که هنجارهای جامعه را زیر پا گذاشته به گفته «کار فینکل» مراسم بی‌آبرویی برایش اتفاق می‌افتد که در این صورت فرد محکوم به عمل انحرافی می‌شود. سرزنش و مجازات می‌گردد و مجبور می‌شود که به برتری اخلاقی محکوم کنندگان اعتراف نماید و لذا برچسب‌هایی مانند ابله، خائن، غیر عادی، کلاهبردار، بدکاره، معتاد، ولگرد و... را از دیگران دریافت می‌کند.

بند پنجم - تعارض با اصل شخصی بودن مجازات حبس

یکی از اصول حاکم بر مجازات حبس اصل شخصی بودن مجازات هاست. بدین معنا که در مکتب اسلام هر کس مسئول اعمال خویش است و تخلفات و تعدّیات هیچ‌کس به پای دیگری نوشته نمی‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» علاوه بر این زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستانش می‌شود.

بند ششم - تحمیل هزینه‌های اقتصادی بر جامعه

مملو شدن زندان از زندانی موجب توسعه تاسیسات و افزایش نیرو و سایر هزینه‌های مربوطه می‌شود که تامین آن به عهده دولت و از بودجه عمومی مملکت و بیت المال می‌باشد. توضیح این که در کیفر زندان علاوه بر این که افراد زندانی از کار و فعالیت باز

می مانند و جامعه از بازده آنان محروم می شود خزانه دولت نیز به جهت زندانی کردن افراد خلافکار به گونه کنترل نشده هزینه سنگینی را متحمل می شود.

بند هفتم - کشتن حس مسئولیت

مجازات حبس نه تنها نیروی بازدارنده ندارد بلکه حس مسئولیت را نیز در نهاد زندانیان از بین می برد و آنان را به بیکاری و تن پروری سوق می دهد. زیرا بسیاری از زندانیان که مدت زیادی را در زندان به سر برده اند و در آنان با بیکاری و تن پروری روزگار گذرانده اند و تمامی نیازهای آنان از خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و... بدون تحمل زحمت تامین گشته، چنان این وضع عادی جلوه میکند که حتی برای بیرون آمدن از زندان میل چندان نشان نمی دهند. در نتیجه احساس مسئولیت در مقابل خود و عائله شان در نهاد آنان نابود می شود چنانچه از زندان بیرون بیاید دوباره مرتکب جرم می شوند تا به زندانی برگردند. چرا که در زندان به برخی حوائج شان دسترسی پیدا می کنند که در بیرون از زندان امکان دسترسی به آنها را ندارند از این رو در زندان هیچ نوع رنجی احساس نمی کنند و به طبع شوق زندان آنها را به ارتکاب مجدد جرم و امی دارد تا بتوانند از واقعیت زندگی خود که در نظر آنها یک نوع زندانی جلوه گیر شده خلاصی پیدا کنند. با این توضیحات و تفاسیر عوامل متعددی در بروز آسیب های داخل زندان دخیل هستند که اجرای برنامه های درمانی هنری، روانشناختی، اجتماعی و بهداشتی و حرفه آموزی می تواند سهمی در کاهش این آسیب ها داشته باشد.

گفتار دوم - عوامل خاص قضایی موثر بر حبس گرایی از سوی کنشگران

قضات به عنوان یکی از کنشگران مهم در نظام عدالت کیفری به حساب می آیند. بدین سان عوامل متعددی وجود دارند که در گرایش قضات در تعیین مجازات حبس تاثیر گذار می باشند؛ که در این گفتار ضمن شناسایی این عوامل به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

بند اول- فقدان سازمان مراقبت خارج از زندان

دوری از زندگی خانوادگی و زندگی عادی و اجتماعی در مدت تحمل حبس موجب می شود زندانی بعد از آزادی موقعیت های نا مطلوب جدیدی را تجربه کند. مثلاً محکوم علیه به علت زندانی بودن شغل او را از دست می دهد و معمولاً به علت هزینه کردن پس اندازهای احتمالی او در طول دوران تحمل محکومیت از لحاظ مالی نیز دچار مشکل می شود. ضمن اینکه موقعیت اجتماعی اش به علت سوء پیشینه کم ارزش شده است و از منظر عمومی و حتی خانوادگی نیز جایگاه خود را از دست داده است. در این شرایط سخت اگر به مشکلات فراوان این فرد توجه نشود امکان بازگشت او به تکرار جرم و زندان به مراتب بیشتر از گذشته می باشد.

بند دوم- عقیده بر بی تاثیری جایگزین های حبس

مجازات حبس در شرع مقدس اسلام مشروعیت داشته، مورد تأیید کتاب، سنت، اجماع و عقل است. امامان معصوم علیهم السلام در مواردی مانند قتل، ارتداد، مستی، محاربه، سرقت و سکوت نزد حاکم، زندان را به طور موقت برای متهمان و مجرمان اعمال کرده یا پیشنهاد داده اند. در شریعت اسلام زندان عقوبت است و مدت زندان باید به نظر حاکم دادگاه مشخص شود و باید به عنوان آخرین راه حل درباره مجرمان مورد استفاده قرار گیرد. معایب فراوانی برای مجازات حبس ذکر کرده اند از جمله؛ جرم زا بودن محیط زندان، هزینه های اقتصادی زندان، تعارض زندان با اصل شخصی بودن مجازات ها، ایجاد پیشینه سوء برای زندانی، انتقال ضد فرهنگ های موجود در میان زندانیان به سطح جامعه، بیکار شدن افراد فعال جامعه، امکان ابتلا به بیماری های خطرناک و.... هر چند امروزه کمتر کسی در ضرورت زندان برای جرائم مهم تردید دارد. در همین راستا، راه حل های متعددی از سوی محققان پیشنهاد شده است که یکی از آنها مجازات های جایگزین حبس است. این افراد برای پیشنهادات خود دلایلی دارند که از جمله آن ها عبارت اند از:

- در اسلام زندان نقش فرعی در مجازات مجرمان دارد و این مجازات ها همسو با سیاست کیفری اسلام است.
- رویکرد دستگاه قضایی مبنی بر کاهش استفاده از حبس، در حبس های کوتاه مدت مشمول جایگزین خواهد شد.
- مجازات حبس به دنبال جدا کردن مجرمان از جامعه و ایجاد تغییر در افراد نیستند.
- این مجازات ها بر خلاف زندان بار مالی برای دستگاه قضایی نداشته و نیاز به فضا و امکانات زندان را از میان بر می دارد.

بند سوم- محدود بودن قواعد مربوط به جایگزین های حبس

مقررات مربوط به مجازات های جایگزین حبس در مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذکر شده است، هم چنین همان گونه که ذکر شد آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ در ۱۶ ماده در تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۰۵ به تصویب هیات وزیران رسیده است. ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می گوید: «مجازات های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی.... تعیین و اجرا می شود» و به موجب تبصره همان ماده دادگاه به تعیین بیش از دو نوع از مجازات های جایگزین، مجاز دانسته نشده است. مطابق ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود و برابر ماده ۷۷ تحت شرایطی به قاضی اجرای احکام اجازه می دهد تا تبدیل مجازات به مجازات جایگزین حبس را با اخذ نظر مددکار به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد دهد. در ماده ۷۹ و آیین نامه آن به ذکر نحوه تعیین و اجرای مقررات مربوط به خدمات عمومی پرداخته شده است. در ماده ۸۳ گفته شده است که دادگاه محکوم را به انجام یک یا چند مورد از

دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی ملزم می کند و دستورات مراقبتی به موجب ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر می باشند:

- ۱- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص
- ۲- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین
- ۳- درمان بیماری یا ترک اعتیاد
- ۴- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه
- ۵- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری
- ۶- خودداری از فعالیت حرف های مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل تاثیر گذار در آن
- ۷- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکاء یا معاونان جرم یا سایر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه؛
- ۸- گذراندن دوره آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی

به موجب ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم.... همان طور که گفته شد به لحاظ کم بودن میزان مشارکت های مردمی و دولت و فرهنگ سازی نشدن مناسب میان آنان و قضات، استفاده از خدمات عمومی رایگان به نحو مطلوب صورت نمی گیرد که این امر موجبات افزایش جمعیت کیفری زندان ها را از جهتی فراهم می کند. در خصوص رعایت دستورات مراقبتی یاد شده در ماده ۴۳ نخست مشکل فوق الذکر می باشد، دوم این که برای ارزیابی رعایت یا عدم رعایت دستورات مقررات صریح آورده نشده است. اعمال مجازات حبس باعث عبرت فرد مجرم خواهد شد، سایر افراد جامعه به خصوص افرادی که

اندیشه عمل مجرمانه را در سر می پروراندند ولی هنوز اندیشه مجرمانه خود را عملی ننموده اند، نیز در انجام عمل خود مردّد گردیده و عواقب این عمل را که گریبان گیر خودشان خواهد شد مشاهده می کنند. در صورتی که افراد مشاهده کنند که جامعه برای نقض هنجارهای مهم خود آزادی تن را از آنها سلب خواهد کرد به خاطر ارزشی که برای این آزادی قائل هستند از اندیشه مجرمانه خود ناخودآگاه منصرف خواهند شد و عمل مجرمانه ای مرتکب نمی شوند.

گفتار سوم - راهکارهای سیاست حبس زدایی در پیشگیری از تکرار جرم

پژوهش های جرم شناسی نشانگر این نکته مهم است که اساس اجرای مجازات زندان با دیدگاه های اصلاح و باز اجتماعی کردن و همچنین در پیشگیری از تکرار جرم، منافات دارد، چرا که آنچه محرک و انگیزه اصلی برای ارتکاب جرم است تمایلات نفسانی و اندیشه های درونی فرد است که می تواند بر حسب دیدگاه و شخصیت هر فرد دارای جلوه و اشکال متفاوتی باشد. بدین سان؛ اجرای زندان به جای آنکه به علت یابی تمایلات مجرمانه پردازد و در جهت تهذیب نفس و روح آدمی تلاش می کند، تمرکز اصلی و نهایی خود را بر طرد بزهکار و خوار کردن شخصیت او قرار دهد. پیامدهای حبس هر چه باشد، واقعیت فعلی جامعه ما حکایت از رواج کیفر حبس در قوانین جزایی و تشدید بکارگیری آن توسط مراجع قضایی دارد. از این سو می توان مهم ترین راهکارهای مقابله با بحران تورم کیفری در زندان را موارد ذیل برشمرد.

بند اول - جایگزین های حبس

وجود پیامدهای منفی منتسب به این کیفر، نظیر تردید در نقش اصلاحی و بازپرورانه زندان، تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها، تحمیل هزینه های هنگفت مالی و انسانی بر جامعه، انکار نقش بازدارندگی عام و خاص زندان و افزایش میزان بزهکاری و تکرار جرم ناشی از اعمال مجازات مزبور، جملگی موید این معنا است که زندان از همسویی و تناسب با شیوه های کیفری جدید عاجز و ناتوان بوده و در اجرای آن با هدف

های اصلاحی و بازپرورانه مجازات ها سازگاری ندارد. زیرا مقطع زمانی اصلاح و تربیت مجدد ، راهکاری است که محتوای آن ، قرار دادن بزهکاران در برابر فرآیندهای یادگیری و درونی سازی دوباره هنجارها و ارزش های اجتماعی است و نیز تمرکز عمده در فرایند جامعه پذیری مجدد، ایجاد تغییری اساسی در الگو های رفتاری و ارزش های فردی اشخاص است ، هدفی که برای رسیدن به آن تلاش می شود تا فرد در موقعیتی قرار بگیرد که از یک سو امکان تقویت رفتار ، هویت و دوری از کنش های مجرمانه قبلی او وجود نداشته باشد و از سوی دیگر نیز ، در آن از تغییراتی حمایت می شود که بتواند هویت و ارزش های جدید و مطلوب تقویت کند. از دید گاه روان شناسی ثابت شده است که مجازات حبس به هیچ وجه با برخوردهای اصلاحی اشاره شده در بالا سازگاری ندارد. زیرا اثر مستقیم خود را فقط بر رنج و تعب جسمانی و روحی و تزلزل اجتماعی بزهکار قرار می دهد و در عمل با ایفای نقش جرم آموزی ، به محض اجرا ، محکوم را به حال خود رها می کند و در عمل هیچ تدبیری برای اصلاح و تربیت او نمی اندیشد. در این اوضاع ، بزهکار که شخصیت خود را خرد شده تلقی می کند و موقعیت اجتماعی خویش را از دست رفته می انگارد ، گرفتار افسردگی و احساس نارضایتی می شود که نتیجه محتوم این فرایند ، تشدید روحیه پرخاشگری و خشونت گرایی بر مبنای اصل دلیل تراشی و مظلوم نمایی است. حبس زدایی ، فرآیندی است کلی و جامع نگر در عرصه سیاست جنایی ، تقنینی ، قضائی و اجرایی که می کوشد با پیش بینی روش ها و راهکارهای جایگزین و مناسب، از ورود ناصواب و بی رویه بزهکاران جرائم غیر عمدی و کم اهمیت ، مادیونین مالی ، اشخاص ناتوان از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل به زندان ها جلوگیری کرده و در عوض با ارائه فرصتی مقتضی و شایسته به چنین اشخاصی ، زمینه های جبران و ترمیم خسارات ناشی از جرم و اصلاح و بازپروری مرتکبان این دسته از جرائم را با هدف تقلیل اثرات مخرب زندان فراهم نماید. برخی چنین می پندارند که با اجرای این سیاست ، آرامش و امنیت عمومی به خطر می افتد و مجرمان خطرناک و بزهکاران حرفه ای و سازمان یافته فرصتی می یابند تا به راحتی حریم شخصی و امنیت مردم را مورد تجاوز قرار دهند. در پاسخ به شبهات باید اذعان داشت سیاست زندان زدایی با کاهش استفاده از

مجازات زندان ، هرگز به معنای بزه پوشی یا آزاد گذاشتن بزهکاران عمومی و مجرمان خطرناک در تجاوز به حقوق شهروندان نبوده و نخواهد بود، بلکه این سیاست در نظر دارد ضمن فرهنگ سازی و اطلاع رسانی و تنویر افکار عمومی جامعه برای این دسته افراد ، بهترین روش ها که بالاترین میزان بهره وری و اثر بخشی را داشته باشد را برگزیند.

بند دوم- اصلاح قوانین حبس محور

امروزه ضرورت فایده مندی و کارایی مجازات زندان، به واسطه نارسایی ها و ایرادهای که بر آن وارد است ، با ابهام مواجه شده و اندیشمندان و متولیان امر ، به دنبال این هستند که چگونه می توان جامعه ، را از شر زندان ها رها ساخت؟ برخلاف تاکید فراوان از چند دهه گذشته تاکنون ، نظریه اصلاح مجرمان در زندان با شکست مواجه شده است ، زیرا در زندان های کوتاه مدت به لحاظ نبود فرصت کافی ، امکان اعمال فعالیت های اصلاحی ممکن نیست و در زندان های بلند مدت نیز ، خطر ناسازگار کردن محکوم با اجتماع ، پس از خروج از زندان و نیز تکرار جرم بسیار بالاست. در نتیجه ادعای اصلاح مجرمان در هر دو نوع زندان یاد شده ، باطل است. برای حل مشکلات موجود در خصوص زندان ، تجدید نظر در سیاست های موجود در عدالت کیفری ، مبانی و ساختارهای کنونی ، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. مهم ترین دلیلی که امروز باعث تراکم جمعیت کیفری زندان در ایران شده است ، حبس محور بودن قوانین فرایند کیفری است. برای خارج شدن از وضعیت موجود و کاهش جمعیت کیفری زندان، اصلاح قوانین با محوریت حبس زدایی (خواه از طریق حذف مجازات و جایگزین کردن مجازات های دیگر و خواه با کاهش مجازات زندان در امر مقرر) امری غیر قابل اجتناب است. در حقوق کیفری ایران ، مجازات حبس ، مجازاتی غالب است که برای بیشتر اعمال و افعال مجرمانه پیش بینی شده است. طبق گزارش ارائه شده توسط دفتر بررسی های حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ، حقوق کیفری ایران حدود ۱۲۰۰ عنوان مجرمانه وجود دارد که برای ۴۰۰ مورد از آنها مجازات حبس پیش بینی شده است. در ایران ، از مجازات زندان بیشتر به عنوان ابزاری برای اداره جامعه استفاده شده است ، تا رسیدن به هدف اصلاح و بازپروری

مجرم و پیشگیری از تکرار جرم. حبس محوری و تاکید بر مجازات زندان در حقوق کیفری ایران تا آنجا پیش رفته است که برای اعمال کم اهمیتی چون دیوار نویسی غیر مجاز در انتخابات، فروش کالا برگ، کندن درخت و.....، که وجدان جمعی جامعه را به هیچ عنوان جریحه در نمی سازد، مجازات زندان در نظر گرفته شده است. تاکید بیش از اندازه قانون گذاران بر مجازات حبس، قبح ارتکاب جرم در جامعه و مجازات زندان را شکسته و مانع از آن شده است که قانون بتواند رسالت خود را در پیشگیری از جرم و کاهش آن و مبارزه با مجرمین به انجام برساند. برای حل مشکلات و نارسایی در زندان که یکی از مهم ترین آن، تقویت تکرار جرم است، اصلاح و پالایش قوانین، یکی از مهم ترین راهکارهایی است که می تواند مورد استفاده قرار بگیرد و اگر بکوشیم تنها با اصلاح و تغییر چند ماده قانونی می توان تا حد زیادی به وضعیت زندان ها سرو سامان داد و جمعیت کیفری زندان ها و به دنبال آن آثار منفی مجازات زندان به ویژه برچسب مجرمانه خوردن و از بین رفتن قبح رفتار مجرمانه و در نهایت تکرار پدیده مجرمانه توسط فرد آزاد شده که جرم انگاری و مجازات معتادان، هیچ گاه نتوانسته و نمی تواند در پیشگیری از اعتیاد و اصلاح و درمان آنها نقش مثبتی داشته باشد، اما قانون گذار به موجب ماده ۱۵ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر - مصوب ۱۳۶۷ - اعتیاد را جرم تلقی کرده است، بنا براین ضرورت تجدید نظر در شیوه های برخورد با اعتیاد امری بدیهی و غیر قابل اجتناب به نظر می رسد، که این مهم تنها از طریق اصلاح مبانی قانونی امکان پذیر است.

بند سوم - نهاد تعلیق اجرای کیفر

تعلیق اجرای مجازات، از مهم ترین روش های توافقی در مرحله تعیین پاسخ به شمار می رود. به موجب این شیوه، مقام قضایی پس از توافق با بزهکار، اجرای مجازات را برای یک دوره زمانی مشخص، متوقف می کند تا در صورت مناسب بودن رفتار وی در این دوره، تحمیل کیفر بر مجرم برای همیشه کنار گذاشته شود. به این ترتیب، تعلیق اجرای کیفر عبارت است از متوقف ساختن اجرای مجازات تعیین شده برای بزهکار، تا چنان که در مدت معینی پس از آن، مرتکب جرم دیگری نشد و از دستورهای دادگاه در این مدت

تبعیت کرد ، محکومیت وی نادیده انگاشته شود. تعلیق اجرای کیفر برای نخستین بار در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، به رسمیت شناخته شد ولی پس از انقلاب با تحولات متعددی مواجه شد. این تحولات در وهله نخست در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۱، با در نظر گرفتن معیارهای جدید ، موازین ناظر به تعلیق اجرای کیفر را تغییر دادند ، همچنین با عنایت به قانون مجازات اسلامی ما شاهد تدوین قواعد جدیدی در زمینه تعلیق اجرای کیفر در مواد ۸۱ و ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز هستیم که دلیل اطاله از ذکر جزئیات آنها خودداری می شود. تعلیق به دو شکل ساده و مراقبتی است که تعلیق ساده ، بدون هیچ گونه برنامه جانبی دیگری همراه است ، اما تعلیق مراقبتی همراه با برنامه ها و اوامر و نواهی دادگاه در راستای بازسازی شخصیت مجرم است. امروزه تعلیق اجرای کیفر ، یک تدبیر ارفاقی نسبت به همه محکومان اصلاح پذیر است که فاقد محکومیت کیفری موثر هستند ؛ سیاست گذاران کیفری امید دارند که محکومان با این لطف جامعه و فرصتی که به آنها داده می شود و به شوق معافیت از مجازات و بیم اجرای آن ، با پیروی از دستورات دادگاه ، کوشش بیشتری در جهت اصلاح رفتار خود به عمل آورند. همان طور که ذکر شد ، افرادی که مشمول این ارفاق می شوند ؛ کسانی هستند که سوء پیشینه نداشته و چه بسا بسیاری از آنها برای بار اول مرتکب عمل مجرمانه شده اند. بنابراین تعلیق اجرای کیفر می تواند گامی بلند در جهت بازسازی اجتماعی فرد مجرم و برنامه ای در مسیر تکرار نکردن عمل مجرمانه توسط وی باشد. شاید بهتر است این گونه گفت که تعلیق ، حقی برای مجرم به حساب نمی آید ، بلکه وسیله و ابزاری برای ارفاق و مساعدت نسبت به مجرم در جهت حفظ شخصیت و کرامت وی و پیشگیری از تکرار جرم است.

بند چهارم - آزادی مشروط

آزادی مشروط ، ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط دادگاه صادر کننده حکم به محکوم اعطا شده و نمایانگر توجه خاص قانون گذار به اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی او است. آزادی مشروط عبارت است از ((آزادی موقت محکوم به حبسی که مدتی از دوره محکومیت خود را طی کرده و با شرایط پیش بینی شده

توسط قانون گذار به اصلاح و درمان و بازسازگاری اجتماعی او است. آزادی مشروط عبارت است از ((آزادی موقت محکوم به حبسی که مدتی از دوره محکومیت خود را طی کرده و با شرایط پیش بینی شده توسط قانون قابلیت آزادی بقیه مدت مجازات را به دست آورده است که در صورت اجرای شرایط او قطعی و الا محکومیت به طور کامل اجرا می گردد. در پاسخ به این سوال که ((آیا آزادی مشروط را می توان از تدابیر جایگزین حبس به حساب آورد یا خیر)) باید گفت که نظر غالب این که آزادی مشروط را می توان به عنوان برنامه های جایگزین مجازات حبس در مفهوم موسع آن تلقی کرد؛ البته در صورتی که همراه با نظارت باشد. در غیر این صورت، اطلاق وصف جایگزین به آن تا حدودی با اشکال مواجه خواهد شد. آزادی مشروط چه در ق.م.ا (مواد ۳۸-۴۰) و چه در سایر قوانین جزائی ایران (مانند ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان - مصوب ۱۳۳۷)، تنها ناظر به مجازات حبس بوده؛ یعنی حبسی که در نتیجه حکم دادگاه صادر شده است. به نظر می رسد که آزادی مشروط کلیه حبس های تعزیری و بازدارنده و حتی حدی را شامل می شود. چون آنچه در اعطای آزادی مشروط مهم است، قابلیت استحقاق مجرم برای اعطای آزادی مشروط است و فرقی نمی کند که آن حبس از چه نوعی باشد. این مساله که اگر کسی برای اولین بار محکوم به حبس ابد شود، آیا می تواند از آزادی مشروط استفاده کند یا خیر، از جمله موضوعاتی است که در ق.م.ا مسکوت واقع شده است. در این خصوص، ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ مقرر نمود: ((محکومین به حبس دائم پس از گذراندن دوازده سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند)) وجود اعتقاد برخی به اعتبار این ماده واحده در حال حاضر به نظر می رسد که سکوت قانون گذار در مواد ۳۸ الی ۴۰ ق.م.ا و جانشین کردن این مواد به جای قانون ۱۳۳۷ و لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها دلالت بر این دارند که در وضعیت کنونی محکومان به حبس ابد حق استفاده از آزادی مشروط را ندارند. در این خصوص، نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۱۱-۱۳۸۱/۰۱/۱۵ این نظر را تایید می نماید. زیرا، حبس ابد مادام العمر بوده و مقید به مدت معینی نیست و لذا نمی توان نصف آن را تعیین کرد. بنا براین در مورد محکومان به حبس

ابد آزادی مشروط متصور نمی باشد، مگر اینکه قانون گذار به طور صریح بیان کند. این مساله که آزادی مشروط تنها مجرمینی را در بر می گیرد که برای اولین بار محکوم به حبس شده اند، تا حدودی غیر منطقی است. زیرا شخصی ممکن است دوباره به طور غیر عمدی یا به دلیل قصور بزه دیده و علل دیگر مرتکب جرم شده باشد، در صورتی که چنین فردی به نظر دادگاه ممکن است خطرناک تلقی نشود. عدم پیش بینی تدابیر نظارتی و کنترلی و نهاد یا موسسه متصدی آن در طی آزادی مشروط در ق.م.ا یکی دیگر از ایرادهاست. پیش بینی چنین تدابیری می تواند نقش به سزایی در کاهش تکرار جرم داشته باشد زیرا که یکی از فلسفه های آزادی مشروط، اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی مجرم و در نتیجه، جلوگیری از تکرار جرم او است. آنچه در اصلاح و بازسازی مجرم مهم به نظر می رسد، تحت نظارت بودن آنها در هنگام آزادی و فراهم ساختن امکانات و تسهیلات مورد نیاز برای اصلاح و بازسازی است. در غیر این صورت، رسالت و هدف آزادی مشروط ناتمام باقی خواهد ماند. وانگهی، از آنجا که متصدی کنترل و نظارت مسئول و نماینده جامعه است، باید نقض این شرایط و دستورها از سوی مجرم در حین آزادی را جدی تلقی نماید چون در غیر این صورت، آزادی مشروط بی فایده خواهد بود. بنابراین، در صورتی می توان آزادی مشروط را در نظام کیفری ایران جزء برنامه ها و راه کارهای جایگزین حبس در کنار تدابیری همچون تعلیق مراقبتی به حساب آورد که همراه با انجام دستورهای تعیین شده از سوی دادگاه توسط مجرم و نظارت بر مجرم و اجرای دقیق آن دستورها توسط یک نهاد نظارتی و مراقبتی باشد. اما چون چنین سازوکارهایی راجع به آزادی مشروط در کشور ایران دیده نمی شود، به همین دلیل، با توجه به قوانین و مقررات فعلی حاکم بر آزادی مشروط نمی توان از آن به عنوان جایگزین واقعی حبس در نظام عدالت کیفری ایران یاد کرد.

بند ششم - جزای نقدی

جزای نقدی در زمره مجازات های مالی است که گاه به صورت مجازات اصلی (ماده ۵۴۱ق.م.ا) و گاه به صورت مجازات تکمیلی یا تنمیمی اجباری (ماده ۷۰۷ق.م.ا) یا

اختیاری (ماده ۷۰۸ ق.م.ا) مورد حکم دادگاه قرار می گیرد. کیفر نقدی دارای کارکردهایی است که یکی از آنها نقش جایگزینی آن است. به عبارت دیگر، این کیفر یکی از برنامه های جایگزین مجازات حبس - چه به شکل مستقل و چه به شکل کیفر تبدیلی - در اکثر کشورها (از جمله ایران) مورد استفاده قرار می گیرد. جزای نقدی عبارت است از ((محکومیت به تادیه مبلغی وجه نقد به عنوان مجازات به خزانه دولت)). در خصوص سابقه تاریخی تبدیل زندان به جزای نقدی، از همان آغاز تدوین قانون گذاری در ایران، مقرراتی در این زمینه وجود داشته اند. برای مثال، میتوان به این موارد اشاره کرد؛ قانون امکان تبدیل حبس در امور جنائی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر است به جزای نقدی مصوب ۱۳۰۷، ماده ۲۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰، ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، مواد ۴ و ۵ ق.م.ن.م. اشاره کرد.

مشکلاتی که در اجرای کیفر نقدی پیش می آید - از جمله این مساله که محکوم علیه در صورت عجز از پرداخت آن روانه زندان می شود - باعث شده که این مجازات کارکرد خورد را به عنوان یک مجازات سنتی از یک سو و به عنوان مجازات جایگزین حبس، از سوی دیگر دست بدهد، به عبارت دیگر، پیش بینی بازداشت موقت در ازای عجز از پرداخت جزای نقدی با منظور اصلی قانون گذار - یعنی، اجتناب از مجازات حبس کوتاه مدت و آثار و عواقب زیان بار آن - و در نتیجه با قوانینی مثل قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و موارد مصرف آن ۱۳۷۳، مغایرت و منافات دارد. بنابراین، برای جلوگیری از چنین مشکلاتی بهتر است راهکارهای دیگری مثل جزای نقدی روزانه یا تقسیط جزای نقدی را پیش بینی و تقویت نمود.

نتیجه گیری

به طور کلی، طبق مطالعات و تحقیقات انجام شده در اکثر کشورها و حتی در ایران مجازات حبس در برآورده رسالت و اهدافش موفق نبوده است. یکی از مهمترین اهداف تدوین و تنظیم مقررات راجع به جایگزین های حبس نیز که در طول تحقیق به آنان اشاره شد ناشی از همین دیدگاه بوده است. چرا که آمارها نشان داده اند که بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم تشکیل می دهند. بدین سان، به دلیل برخی مشکلات و معایب وارده بر مجازات حبس و کارایی نظام حاکم بر آن، استفاده گسترده از این از این مجازات در اکثر موارد به عنوان یک اصل در متون جزائی و قوانین و مقررات موجود در کشور ایران امری نامناسب و غیر ضروری به نظر می رسد. بنابراین نباید به مجازات حبس به عنوان یک مجازات اصلی در ارتکاب جرایم نگریست. چراکه بسیاری از آسیب ها و پیامدهای سوئی که می تواند در محکوم بر جای گذارد موجب تکرار جرم از ناحیه وی می گردد. بنابراین نه تنها مجازات حبس باعث بازپروری و اصلاح مجرمان نمی گردد، گاهی اوقات نیز منجر به تکرار جرم از ناحیه ایشان خواهد شد. از این سو نهاد حبس امروزه صرف نظر از آسیب ها و هزینه های گزافی که از نظر اقتصادی به دولت تحمیل می کنند به مدرسه ای مجرم ساز مبدل گشته است. بدین سان که در آنجا مجرمین اتفاقی در کنار مجرمین حرفه ای قرار گرفته و در راستای رد و بدل کردن تجارب و تفکرات منفی خود گام برداشته و فرآیند سازگار پذیری آنان را به تاخیر می اندازد. در نتیجه؛ مجازات حبس همیشه مانع از تکرار جرم نخواهد بود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد

- ۱) آزمایش، علی، (۱۳۸۸)، بررسی تحلیلی کیفر همگانی، مجله حقوق مردم، شماره اول.
- ۲) آشوری، محمد، (۱۳۸۶)، جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۳) آشوری، محمد، (۱۳۹۴)، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، چاپ سوم، تهران، نشر گرایش.
- ۴) آنسل، مارک، (۱۳۹۱)، دفاع اجتماعی، ترجمه: محمد، آشوری؛ و علی حسین، نجفی ابرندآبادی. تهران، انتشارات راهنما.
- ۵) اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۷۱)، جایگزین های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۲-۱۱.
- ۶) حسینی، سید محمد مهدی، (۱۳۸۹)، تاملی بر رویکرد اصلاحی و تربیتی در کیفر حبس، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۱۸.
- ۷) دانش، تاج زمان، (۱۳۷۶)، حقوق زندانیان و علم زندان ها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸) سلاحی، جعفر، (۱۳۹۴)، اساس و مبانی جرم شناسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- ۹) شیگر، دیوید، (۱۳۸۹)، مفهوم و ماهیت مجازات، ترجمه: حسین، آقایی جنت مکان، چاپ اول، اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران.

- ۱۰) فوکو، میشل، (۱۳۸۵)، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه: نیکو، سرخوش؛ و افشین، جهان دیده. تهران، نشر نی.
- ۱۱) کوشا، جعفر، (۱۳۸۰)، تاثیر زندان بر زندانی، نشریه پیک زندان، شماره ۱۱۰.
- ۱۲) گودرزی بروجردی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، نارسایی های زندان، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹-۱۰.
- ۱۳) گودرزی بروجردی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، تاریخ تحولات زندان، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- ۱۴) گودرزی بروجردی، محمدرضا، (۱۳۹۸)، تاریخچه زندان، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- ۱۵) لازرژ، کریستین، (۱۳۹۵)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین، نجفی ابرندآبادی. چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۱۶) محمدی، داود، (۱۳۸۲)، حبس و جایگزین آن، مجله کانون اصلاح و تربیت، شماره ۱۶.
- ۱۷) مصدق، محمد، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- ۱۸) منصور آبادی، عباس، (۱۳۸۶)، زندان: راه حل یا مشکل، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، نشر میزان.
- ۱۹) هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۴)، زندان زدایی و حبس زدایی، انتشارات قوه قضائیه، شماره ۲۳.

۲۰) وایت و هینز، راب و فیونا، (۱۳۹۵)، جرم و جرم شناسی، ترجمه: علی، سلیمی، چاپ هشتم، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۱) مجیدی بیگدلی و صفا کیش کاشانی، کبری و سمیه، (۱۳۸۶)، آسیب های ناشی از مجازات زندان، فصلنامه حقوقی گواه، زمستان، شماره ۱۱.



پژوهش‌های حقوقی و قضایی

Academia.edu
California San Francisco

TPBIN.com
Sponsored And Indexed

CiteFactor
Academic Journals

مسابقات علمی ایران

Symposia

REF.IR

Directory of Research Journals Indexing

DRJI

Sponsored and Indexed by CIVILICA
We Respect the Science

CONF PAPER

ESJJI
www.ESJJI.org

ICI WORLD OF JOURNALS

باهمایش

Bahamayesh.com

پنجه‌نقد علمی

همایش‌های کشور

sciencealert

easyPapers
Scientific Research Services

CONF

INDEX COPERNICUS INTERNATIONAL

کنفرانس‌یاب

www.conferenceyab.ir

SID

تقویت رزومه

داوطلبان آزمون دکتری

اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دبیرخانه: تهران، میدان انقلاب،

خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲

واحد پذیرش مقالات:

۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۲۱

واحد صدور گواهی نامه:

۴۴۴۱۷۶۴ و ۲۱ - ۸۴

مشاور و راهنمای ارسال مقالات:

۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ - ۰۹۱۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه‌های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی iCi world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/citefactor/آریزونا)
برگزار می‌کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش‌های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

محورها و همایش:

- * مقالات در گرایش‌های حقوق خصوصی، حقوق جزا
- حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش‌های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش‌ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش‌های ارسال مقالات به همایش:

* ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com

* ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده کتابچه به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می‌گردد.
به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می‌گردد.
تمامی مقالات همایش در پایگاه‌ها و سایت‌های ملی و بین‌المللی نمایه و درج می‌گردد.
داوری مقالات حداکثر سه روز می‌باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می‌شود.

همایش مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش‌های اجتماعی - موسسه قانون یار - دانشگاه رهنورد (افغانستان) - جهاد دانشگاهی - سال ۱۴۰۰